

موقعیت چپ و کمونیسم در کردستان

نسان نودینیان

یکی از بینندگان برنامه های نگاه هفته با ارسال نامه نسبتاً مفصلی از من پرسیدهاست: "شما در برنامه های نگاه هفته در مورد جنبش های مدنی و کمیته های بخشش، حق دوچرخه سواری زنان، انجمن های زیست محیطی و از این قبیل اتفاقات، هر هفته برنامه دارید و در این رابطه صحبت میکنید. و نوشته که دلیل فوکوس شما برای بیان و پوشش این عرصه چیست؟ و ادامه داده کمیته و یا ابتکارات مردم "خیرخواه" و یا نهادهای "شورای حل اختلافات" توسط نهادهای رژیم اسلامی سازمان داده شده است. و در ادامه آیا کمونیسم شما تغییر کرده که به این نوع اخبار و رویداد اهمیت میدید؟! ضمن تشکر از ارسال سوالها. جواب من به این دوست. دوست گرامی سوال های شما را در چند سرتیتر تقسیم و به آن میپردازم. اوضاع سیاسی کنونی و تحرك مردم تحرك توده ای مردم موقعیت چپ و کمونیسم در کردستان دورنما اوضاع سیاسی در شرایط کنونی با سالهای قبل متفاوت شده. در

سطح سراسری رو در رویی مردم با نظام جمهوری اسلامی حادثه و تعرضی تر شده است. جنبش کارگری و معلمان و بازنشستگان با شکل مداوم و پیگیرانه ای به صحنه اعتراض سیاسی وارد شده اند. مزدبگیران جامعه مطالبات روشن و همه گیر دارند. مبارزه برای افزایش دستمزدها، مبارزه برای پرداخت حقوق های پرداخت نشده، مبارزه برای امنیت شغلی و سد کردن اخراج و بیکارسازی ها، مبارزه برای جلوگیری از امنیتی کردن اعتراض و اعتصاب و فعالیت فعالین کارگری و معلمان در جریان است. اعتصاب و دست از کار کشیدن، تجمع مقابل مجلس و در یکسال گذشته راه پیمایی و شعارهای کوبنده با حمل پلاکارد و بنرهای رنگین آدرس های شناخته شده کارگران و معلمان شده است. در یک کلام جامعه ای پر از تلاطم و اعتراض جلو چشم ما قرار دارد.

جاده میان دو آب - بوکان قتلگاه کشاورزان و مردم منطقه

عبدل گلپریان



روز ۱۶ بهمن کشاورزان اهالی روستای شین آباد در جاده میان دو آب - بوکان نسبت به ناامن بودن این جاده و بی توجهی مسئولان تجمع اعتراضی برپا کردند. در روزهای گذشته یکی از ساکنان این روستا به نام مجید قادری ۵۰ ساله و دارای ۴ فرزند که یکی از آنان معلول است در حین گذر از این جاده دچار سانحه شده و جان خود را از دست داده است.

اگر میانگین ۲۳ تا ۲۷ هزار کشته در حوادث رانندگی در طول سال در سراسر کشور و همراه با میانگین ۲۵۰ هزار زخمی این حوادث را در نظر بگیریم، گویی هر سال در ایران یک زلزله بزرگ با این مقدار کشته و زخمی اتفاق می افتد. هم چنین تعداد تلفات جاده های کشور در سال با تلفات یک جنگ تمام عیار برابری می کند. در ۷ ماهه اول سال ۹۲ روزانه حدود ۵۴ نفر در ایران بر اثر

حوادث جاده ای جان خود را از دست داده اند. طبق اعلام سازمان پزشکی قانونی در ۷ ماهه اول ۹۲ در حدود ۱۱ هزار نفر بر اثر حوادث جاده ای جان خود را از دست داده و ۲۰۴ هزار و ۷۴۱ نفر مصدوم شدند. عدم امنیت در جاده های کشور بویژه در منطقه کردستان جان بسیاری از شهروندان را گرفته که هیچ گونه نقطه پایانی ندارد. ایران

صفحه ۳

اصغر کریمی صحبتی با کارگران هیکو صفحه ۲

داستان تلخ و غم انگیز دختری از زبان خودش صفحه ۳
که توسط برادرانش در کردستان عراق زنده بگور میشود

عزیزه لطف الهی ختنه زنان و دختران سنتی ضد انسانی صفحه ۵

جوآنمیر مرادی با توجه به فقر و فلاکت موجود، مسئله مزد برای ما کارگران، مسئله مرگ و زندگی است صفحه ۵

نسان نودینیان نگاه هفته: صفحه ۶
مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

عزیزه لطف الهی اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان صفحه ۷

نسرین هزاره مقدم مقامات می گویند: کولبری فرصت شغلی است صفحه ۸

مردم تحرك توده ای مردم موقعیت چپ و کمونیسم در کردستان دورنما اوضاع سیاسی در شرایط کنونی با سالهای قبل متفاوت شده. در

عروج ترامپ و سقوط فاشیستی اپوزیسیون راست

حزب کمونیست کارگری ایران صفحه ۴

کسب نان به قیمت از دست دادن جان

شاپور احسانی راد صفحه ۴

خانواده های کارگران هیکو به میدان آمدند کارگران هیکو و خانواده هایشان دست به تحصن زدند

حزب کمونیست کارگری ایران صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **موقعیت چپ و کمونیسم...**

نسان نودینیان

فعالیت های علنی و توده ای فراهم و بیشتر کرده. در يك كلام جمهوری اسلامی بر روی دریایی از ناراضیاتی و تنفر مردم در کردستان حاکمیتش را تحمیل کرده است.

چهره شهر و روستاهای کردستان در ۴ دهه گذشته تغییر کرده است.

نسل جوان اکثریت جمعیت شهروندان ساکن شهر و روستا را تشکیل میدهد، مناسبات شهری غالب شده است. شهرها مرکز فعالیت و ابراز وجود فعالین سیاسی و مدنی شده اند. وجود دانشگاه ها در بیشتر شهرها خود در گسترش فضای فرهنگی، تاتر و موزیک و استفاده از میدیای اجتماعی تاثیر دارد. مزرهای استفاده و بکارگیری میدیای اجتماعی اینستاگرا، تلگرام، فیس بوک و تست آپ و... بسیار توده ای شده و هر شهروند ساکن در ایران و کردستان به میدیای اجتماعی وصل و عضو خانه بین المللی میدیای اجتماعی است.

تاثیرات پایدارتر سنت چپ و کمونیسم در کردستان خود فاکتور مهم و تعیین کننده است. چپ و کمونیسم در کردستان الگو و فعالیت های ارزنده ای در عرصه مبارزات توده ای، علیه اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی را تجربه کرده اند. چپ و کمونیستها قدر قدرتی و یکه تازی احزاب ناسیونالیستی و بورژوایی در کردستان را از جمله حزب دمکرات کردستان ایران را ناکام کردند.

تجارب حاکمیت مردمی و کنترل شهرها خود نیز دستاورد چپ و کمونیستها در کردستان ایران است.

احزاب سیاسی و بویژه کمونیستها در کردستان ایران هرکدام به سهم خود سنت و فرهنگ سیاسی خود را اشاعه داده و بر روند مناسبات اجتماعی رابطه کارگر و سرمایه دار، حقوق برابر زنان، حقوق

کودکان و سالمندان، حق شهروندی و مناسبات انسانی در جامعه را رواج داده اند.

ناسیونالیسم کرد، حزب دمکرات کردستان ایران و جریانات ارتجاعی. مذهبی، خود نیز بدون تاثیر نبوده و بر زمینه فعالیت در کردستان و مساله ملی و مساله کرد نیرو گرفته اند. حزب دمکرات کردستان ایران حزب ناسیونالیستی و بورژوازی کرد نیز از پایگاه اجتماعی و طبقاتی در میان سرمایه داران، قنودالها و جریانات مذهبی، برخوردار است.

دوست گرامی! دلیل اینکه به نکات يك کمی پایه ای تر اشاره شد که بتوانم موقعیت اژکتیو کنونی در کردستان ایران را توضیح دهم.

تحرك توده ای مردم؛ بشكل فشرده ای زمینه های سیاسی کنونی در جامعه کردستان را توضیح دادم. به نظر من احزاب سیاسی باید یاد بگیرند که با تحرك و یا بقول شما "جنبش های مدنی" چگونه رفتاری داشته باشند. رفتار ما به تحركات توده ای و جنبش های مدنی برخوردی فعال و در جهت دخالتگری موثر و مثبت در این جنبشها است.

ما تحرك های توده ای مردم را پوشش خبری میدهیم. ما ضمن پوشش خبری این جنبشها، تلاش میکنیم ضعف و نارسائیهای این جنبش را بیان و برای ترمیم شیوه فعالیتهاشان صمیمانه رهنمود میدهیم.

بخش عمده فعالیت های ما معطوف شدن به این عرصه های فعالیت در کردستان است.

در شهر و روستاهای کردستان هر روز ما شاهد اقداماتی هستیم که به فضای سیاسی و همبستگی مردم کمک میکند.

جنبش بخشش؛ این جنبش اقدامات ابتکاری فعالین مدنی و کسانی است که مخالف اعدام و قصاص هستند. طیف وسیعی از شاعر و هنرمند، معلم و فعال کارگری حول سازماندهی جنبش بخشش فعالانه کار میکنند. تاکنون اقدامات بسیار موثر و خوبی انجام داده اند. از چند مورد انجام احکام قصاص

جلوگیری کرده اند. حق حیات و زندگی را به تعدادی انسان بازگردانده اند. چرا باید ما مخالف باشیم یا بی تفاوت! و چرا ما نباید این اقدامات انسانی و شورانگیز را لاسه نکنیم! پوشش خبری ندهیم و در گفتارهای تلویزیون و نگاه هفته و نشریه ایسکرا منعکس نکنیم!!؟؟ ما بارها گفته ایم که جنبش بخشش سراسری است، در بیشتر شهرهای ایران اقدام برای بخشش در جریان است. اینکه خود نظام اسلامی هم شورای حل اختلاف را برای این مساله درست کرده است، ذره ای از حقانیت کاری که فعالین کمیته بخشش انجام میدهند را کم نمیکند.

و پرسیده اید آیا جنبش بخشش به کمونیستها مربوط است؟ جواب من با توضیحاتی که دادم مثبت است. چرا باید تحركاتی از این قبیل امر کمونیستها و احزاب چپ و کمونیست مثل حزب ما نباشد؟!

حزب ما حزب منزله طلبی نیست ما تلاش میکنیم در سوخت و ساز و تحرك های مردمی و جنبش های فی الحال موجود دخالت کنیم، تاثیرگذار و هدایت کننده باشیم.

جنبش حق دوچرخه سواری زنان؛ یکی از پرشورترین تحرك اجتماعی مردم در شهرهای کردستان و بویژه در میروان و سنندج بود. این جنبش به مساله خامنه ای و بیت رهبری و امام جمعه میروان و علم الهدا در مشهد هم تبدیل شد.

جمهوری اسلامی مخالف حق دوچرخه سواری زنان در ملاعام است. در میروان و سنندج صدها نفر از زنان و مردان دوش بدوش هم با برگراری آکسیون های ابتکاری دوچرخه سواری کردند. به تهدید خامنه ای و نهادهای انتظامی جمهوری اسلامی و امام جمعه نادان و مرتجع میروان هم گوش ندادند و از دوچرخه سواری زنان دفاع کردند.

جای دخالتگری کمونیستها و چپ جامعه اگر این عرصه نباشد! کجاست! لطفا راه دیگری را به ما نشان دهید! ما و حزب من حزب کمونیست کارگری ایران با تمام نیرویی که داریم از این حرکت پشتیبانی میکنیم.

ما همواره فعالیت های کانون های مدنی دفاع از محیط زیست یا انجمن های زیست محیطی، کانون

صحبتی با کارگران هپکو

اصغر کریمی

الله اکبر گفتن مردم را از شما دور میکند و اتحادتان را به هم میزند

مبارزات قاطع و پیگیر شما تا همینجا توجه زیادی به خود جلب کرده است. سخنرانی همکاران آقای احمد رضا حمیدی و شعارهای زیر بار ستم نمیکنیم زندگی و راهپیمایی های مکرر شما در مرکز شهر اراک هم موجب اتحاد شما شده و هم همبستگی بسیاری از مردم را با خواست های حق طلبانه شما برانگیخته است اما الله اکبر گفتن شما در روز یکشنبه ۱۷ بهمن هم اتحادتان را

به هم میزند و هم مردم را از شما دور میکند. این شعار دشمنان شما است. این شعار حکومتی است که عامل اصلی محرومیت های شما و اکثریت عظیم جامعه است. این شعار جنایتکارانی است که عزیزترین فرزندان مردم را قتل عام کردند. این شعار امثال محبوب و سرحلی زاده است که به خانه کارگر که مرکزی برای کارگران مبارز و پیشرو بود در سال ۵۸ حمله کردند و آنرا از دست کارگران گرفتند و چماقداران بر آن حاکم شدند. این شعار حزب الهی هایی است که زیر پوشش آن هر مبارزه حق طلبانه ای را به خاک و خون کشیدند، به زنان اسید پاشیدند و هزار جنایت دیگر با نام الله اکبر انجام دادند. این شعار جنایتکارانی است که حکم شلاق برای رفقای شما در معدن طلائی آق دره صادر کردند و آنرا اجرا کردند. این شعار دزدان و فاسدان حاکم است. این شعار کارفرماهایی است که ریش میگذارند و جانماز آب میکشند و تسبیح میچرخانند تا بهتر شما را بچاپند. و امروز الله اکبر شعار

های دفاع از حیوانات و حق حیات برای آنها، اقدامات ابتکاری انجمن ها را مورد حمایت قرار میدهیم. حزب ما حزب دخالتگر است. ما تلاش میکنیم بیشترین تاثیر را بر فضای سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی در شهرهای کردستان را داشته باشیم.

منزه طلبی و مبارزه لوکس امر ما نیست. ما حزب میدان مبارزه،

اسلامی های داغش است .

خودتان به خوبی میدانید که مردم تا چه حد از حکومت اسلامی و شعارهای مذهبی اش نفرت دارند. اکثریت خود شما کارگران هپکو و نه علاقه ای به این مذهبی دارید و نه فضای شهر اراک هم بخوبی مطلعید و بد و بیراه مردم نه فقط به سران حکومت بلکه به مقدراتش را هم شاهدهید. اینرا عده معدودی به شما تحمیل کردند. از این شعار و هر شعار مذهبی دیگری فاصله بگیرید. نگذارید با شعارهای مذهبی میانتان تفرقه بیندازند و مردم را به شما و مبارزه حق طلبانه تان بدبین سازند .

الله اکبر شعار شما نیست آنرا به همان دشمنانتان، به همان قمه کش های حکومت بسپارید. به داعش بسپارید. شعار شما شعاری است که حمایت جوانان و زنان و کارگران دیگر را جلب کند. شعاری است که در میان شما اتحاد محکمتری ایجاد کند. شعار شما باید بیان کننده خواست های حق طلبانه شما باشد. از درد و رنج مشترکتان با بقیه کارگران و جوانان بیکارتان مایه بگیرد. علیه دشمنانتان در حکومت اسلامی و اقلیت مفتخور باشد. شعار شما منزلت و معیشت و آزادی و رفاه همگان است.

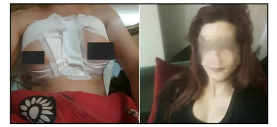
۱۸ بهمن ۹۵

فعال و روی جلو هستیم. ما خود را در کنار آن هزاران فعال کارگری، معلمان، فعالین زیست محیطی، طرفداران حق حیات برای حیوانات، فعالین حق دوچرخه سواری، فعالین مبارز برای جاده های امن، بخشش و مبارزین علیه اعدام و هستیم.

۱۹ بهمن ۱۳۹۵

۷ فوریه ۲۰۱۷

داستان تلخ و غم انگیز دختری از زبان خودش که توسط برادرانش در کردستان عراق زنده بگور میشود



اسم او "جوان" است. ساکن شهر دهوک از کردستان عراق است و تنها جرمش دو جنسه بودن او است. چهار برادرش او را بیش از حد شکنجه داده اند و مدت یکسال و نیم او را در منزل زندانی کرده اند. یکبار هم او را در باغی در بیرون از شهر زنده بگور کرده اند اما مادرش او را نجات داده است.

در محل مربوط به جنسیت در شناسنامه او نوشته شده است "مذکر" خودش میگوید جنسیت بیشتر به مونث نزدیک است به همین خاطر ابتدا در مدرسه دخترانه درس میخواندم.

با زور او را به مدرسه پسرانه فرستادند

جوان که اکنون از ترس شکنجه های برادرانش فراری شده است و در استانبول بسر می برد، از طریق تماس تلفنی سرگذشت خود را باز گو کرده است. او گفت: "در کلاس متوسطه احساس کردم پسر نیستم اما نگذاشتند به مدرسه دخترانه بروم و من را به زور به مدرسه پسرانه فرستادند. زندگی در مدرسه بسیار سخت و دردناک بود. هنوز دوم متوسطه را تمام نکرده بودم که تحت فشار برادرانم دست از تحصیل کشیدم.

او در شناسنامه اش اسم پسرانه دارد اما علاقمند است با اسم "جوان" که نام دخترانه است صدایش بزنند. او میگوید چهره دخترانه اش مشکل زیادی برایش بوجود آورده است. جوان میگوید: "اوقات زیادی در محل کنترل و بازرسی جاده ها از من تقاضای شناسنامه کرده اند که در محل جنسیت نوشته شده است "مذکر" اما کارمندان کنترل دچار شک و تردید شده اند که ممکن است شناسنامه ام جعلی باشد."

آنچه که هیچگاه برای جوان فراموش شده نیست، رفتار خشونت آمیز و تحقیر و توهین چهار برادرش نسبت به او است. جوان میگوید:

شده بود، تلاش کردند با چاقو پستانهایم را از سینه جدا کنند.

زنده بگورش میکنند

برادرانش به همین هم رضایت نداده و تصمیم میگیرند او را بکشند. جوان میگوید: "هر چهار برادرم اسلحه کلاشینکف و کلت داشتند، من را داخل اتوموبیلی انداختند، یکی از برادران کلت را روی ران من قرار داد و گفت: "در محل کنترل و بازرسی صدا از گلویت بیرون بیاید بلافاصله تو را خواهم کشت"، من هم خیلی ترسیده بودم و جرات نداشتم حرفی بزنم. جوان آنشب را خوب بخاطر دارد که برادرانش او را برای کشتن برده بودند. او میگوید: "من را به باغ انگور پدربزرگ بردند، درست یادم هست شب سه شنبه بود، شبی خیلی سرد بود. ابتدا چاله ای را کنده و آماده کردند آنگاه دستان مرا از پشت بستند و پاهایم را نیز بستند. بعدا من را به داخل چاله انداختند و بیشتر از نیم متر خاک را بر روی من ریختند که تنها سرم بیرون بود. سپس سه عدد سنگ بزرگ را هم آوردند و بر بالای چاله قرار دادند. جوان در این لحظه به التماس کردن می افتد اما اثری بر آنان نمی گذارد. او میگوید: "همسریکی از برادرانم دو هفته قبلتر کودکی بدنیا آورده بود، فریاد زدم بخاطر خدا و بخاطر آن بچه نورسیده ات گلوله ای به من شلیک کن و مرا با این آزار و اذیت تنها نگذارید، اما جواب مرا نداد و هر چهار نفرشان آنجا را ترک کردند و مرا تنها گذاشتند."

چگونه نجات پیدا میکند؟

جوان میگوید: تا روزیکه زنده بماند آنشب را فراموش نخواهد کرد. "هیجوقت آنشب را فراموش نخواهم کرد، که با صدای جانوران و حیوانات کوهی داشتم از وحشت دق می کردم از ترس، دردهای شدید بدن خون آلودم را فراموش کرده بودم. جوان که از ساعت ۱۲ آنشب تا ساعت ۱۱ روز بعد، بمدت ۱۱ ساعت در درون چاله ای که برادرانش برای او کنده بودند میماند. او در مورد چگونگی رها شدن از آن چاله صحبت میکند و میگوید: "آنشب که برادرانم این بلا را بر سرم آوردند،

جاده میان دو آب - بوکان ...

از صفحه ۲

تحت حاکمیت مشتی دزد و مفتخور اسلامی، از میان ۱۹۰ کشور رتبه ۱۸۹ را دارد. به این اعتبار ایران در سایه باندهای مختلف اسلامی صدر نشین کشته شدهگان جاده ای در دنیا است. کمپین اعتراضی علیه جاده های نامنم میتواند در سطح گسترده و مرتبط با هم علیه

مادرم در منزل خواهرم بود، روز بعد که به منزل مراجعه میکنم من را در منزل نمی بیند. مادرم پدرم را تهدید میکند و میگوید: "اگر تا دو ساعت دیگر این دختر را به منزل نیاوری به منزل پدرم خواهم رفت و در آنجا دست به خودکشی میزنم."

تهدید مادر جوان بر روی پدرش اثر میگذارد و بلافاصله از پسرانش درخواست میکند اگر جوان را به منزل نیاورند هر چهار نفر شان را خواهد کشت. جوان میگوید: "بعداظهر بود که مادرم به همراه برادرانم سر رسیدند، به محض اینکه مادرم من را با چنین حالیتی دید بلافاصله از هوش رفت. بعدش برادرانم مرا از زیر خاک بیرون کشیدند و به منزل بردند."

جوان میگوید: "دستها و پاهایم ورم کرده بودند، اما برادرانم از ترس پلیس جرات نداشتند من را به بیمارستان ببرند. چهارده روز مرا داخل پوست حیوان نگه داشتند تا کمی بهبود پیدا کردم."

یکسال و نیم زندانی میشود

علاوه بر آن همه شکنجه، برادرانش همچنان دست از سرش بر نمیدارند. جوان میگوید: "بعد از این واقعه نمیگذاشتند از منزل بیرون بروم، تماس تلفنی را از من قطع کرده بودند، حتی اجازه نداشتم تلویزیون نگاه کنم، وقتی مادرم در منزل نبود مرتب به من ناسزا میگفتند. یکبار مادرم برای مراسم تسلیت به روستایمان رفته بود، اواسط تابستان بود، برادرها من را به زیر زمین بردند و در آنجا یک بخاری را روشن کردند تنها بخاطر اینکه مرا آزار و شکنجه دهند و بمدت یکسال و نیم در منزل زندانی

بودم.

فرار میکند

جوان داستان رابطه خود با آن پسری که او را دوست دارد برای مادرش بازگو میکند. مادرش را قانع میکند که از کردستان خارج شود. جوان میگوید: "با همکاری همین رفیقم به "سوران" رفتم، از آنجا هم از طریق قاچاق به استانبول رفته و خود را به یوان معرفی کردم. وقتیکه دادستان آنچه را که بر سرم آمده بود برایشان تعریف کردم داشتند دیوانه میشدند. کیس جوان در یوان مورد قبول واقع میشود، بنا به گفته خودش ماه مه سال جاری او را به استرالیا خواهند فرستاد. جوان میگوید: "ماه آوریل مورد عمل جراحی قرار خواهم گرفت و جنسیت تماما به دختر تغییر پیدا خواهد کرد."

جوان میگوید: "هدف من از بازگو کردن این داستان و فرستادن عکسهایم تنها به این خاطر است که دیگر کسانی چون او در کردستان قربانی نشوند و قانونی وجود داشته باشد که در کردستان از کسانی چون او حمایت بعمل آردند.

چندین عکس دیگر از جوان وجود دارد که آثار شکنجه تماما بر بدن او نمایان است اما قابل انتشار نیستند در حالیکه جوان خود هیچگونه ملاحظه ای در انتشار آنها ندارد و معتقد است که نشان دادن آنها میتواند سبب شود که منبععد رفتار خشونت آمیز نسبت به کسانی چون او اعمال شود.

ترجمه از کردی به فارسی

عبدل گلپرین

۶ نوامبر ۲۰۱۷

آزادی مردم کردستان، و تحقق حقوق انسانی و مدنی آنها در چهار جوب عراق، مادام که چنین نظام و رژیم در این کشور بر سر کار است، غیر ممکن است. اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان بارها نشان داده اند که نه فقط هیچ جایی در تلاش تاریخی مردم کردستان عراق برای رهایی از ستم ملی و تبعیضات اجتماعی ندارد، بلکه خود جزو اولین موانعی هستند که باید از سر راه مردم و مبارزه آزادیخواهان آنها کنار زده شوند. رهایی مردم کردستان بدون خلاصی از سلطه این احزاب ارتجاعی و پایان دادن به میداننداری آنها در صحنه کردستان ممکن نیست. و بالاخره، تشبثات دیگر دول ارتجاعی منطقه، بویژه ایران و ترکیه علیه مردم کردستان قویا محکوم است و باید فوراً پایان داده شود.

کسب نان به قیمت از دست دادن جان



شاپور احسانی راد

این روزها چقدر نان با جان گره خورده است طبقه کارگر ایران جان میدهد تا نان بخورد. جان باختن روزانه شش کارگر در حوادث کار، دیگر به امری عادی تبدیل و زنده بودن امری «عجیب» شده است. آنها می‌میرند چه در اثر فقر و فلاکت، خودکشی و بیکاری و چه در اثر حوادث در هنگام کار. اما گاه و بیگاه این موج کشتار کارگران به چنان قتل عامی تبدیل می‌شود که جامعه تب و لرز میگیرد و با بهت و حیرت، کسب یک لقمه نان را می‌نگرد که بهایش جان شیرین است. مرگ آتش نشانان و کولبران شاید در دو حادثه مجزا اتفاق افتاده باشند اما در چند مقوله مشترک هستند. کارگران آتش نشانی و کارگران مزدبگیر کولبر برای کسب نان و روزی خانواده‌هایشان باید جان خود را به خطر بیندازند. باید با حوادث بجنگند باید جان بدهند، باید قدم در ره بی‌بازگشت بگذارند تا نان شان را بدست آورند. ناگفته‌ها در مرگ آتش نشانان و کولبران زیاد است و زبان ما قاصر از این همه بی‌عدالتی!

مسئولین غیر مسئول، فاجعه را به تسویه حساب‌های جناحی خود تقلیل دادند استعفا که هیچ، دریغ از یک عذر خواهی!!! بگذریم از نامردمان و پیردازیم به تلاشگران عرصه رنج و سختی کار و وجه مشترک رنجبران.

اگر کارگران آتش نشانی از کمی دستمزد گله و شکایت و اعتراض کنند، سر و کارشان با پلیس امنیت و حراست می‌افتد و دهشتناک‌تر از آنان، کولبران برای یک لقمه نان، سر و کارشان با گلوله مستقیم پاسداران مرزی می‌افتد. آتش نشانان باید نان خود را با عبور از آتش بی‌رحم کسب کنند و کولبران با عبور از بهمن و کولاک برف. آتش نشانان در این حادثه جدا از نجات انسانها، باید جان خود را به خطر بیندازند تا اموال و ثروت سرمایه داران را از حریق نجات دهند و کولبران کالاهای سرمایه داران را به قیمت جانشان حمل و نقل می‌کنند. چرا در این کشور خیل عظیمی

عروج ترامپ و سقوط فاشیستی اپوزیسیون راست



با انتخاب ترامپ و قرار گرفتن این نیروی فاشیستی در راس هیات حاکمه آمریکا ما شاهد تحرك جدید و ذوق زدگی مشمئز کننده ای در صفوف اپوزیسیون راست و ارتجاعی، از سلطنت طلبان و مشروطه خواهان تا سکولار دمکرات‌ها و مجاهدین و جناحی از توده ای‌ها و حزب دمکرات کردستان، هستیم. اینها بی‌شرمانه هوادار سیاست‌های فاشیستی و ضد مردمی ترامپ شده و او را ناجی مردم ایران معرفی میکنند.

ما اعلام میکنیم که سیاست تحریم اقتصادی و جنگ طلبی و تقابل نظامی ابزار موثری در باز کردن دست حکومت اسلامی در قیچی کردن مبارزات رو به گسترش مردم علیه جمهوری اسلامی است. درگیری نظامی و جنگ احتمالی برای حکومت اسلامی مانند یک مانده آسمانی است و عمر ننگین آنرا طولانی تر میکند.

ما اعلام میکنیم که در مبارزه برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه و سعادت همگان هرگونه همسویی با دول امپریالیستی و ارتجاعی محکوم است. روند اوضاع سیاسی درس جدید و تلخی به اپوزیسیون دست راستی و مرتجع خواهد داد.

ما همه مردم آزادخواه را به مبارزه گسترده و همه جانبه علیه حکومت اسلامی و افشا و منزوی کردن جریانات دست راستی و ارتجاعی مدافع ترامپ و پیوستن به اردوی آزادی و برابری و رفاه، اردوی کمونیسم کارگری فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ بهمن ۱۳۹۵

۶ فوریه ۲۰۱۷

بسیاری از این نیروها در دوران اوپاما و کنار گذاشته شدن سیاست "گزینه نظامی" و "رژیم چنج" دچار دیربسیون سیاسی شدند. برخی از آنها در پس سیاست ممانشات جویانه اوپاما با حکومت اسلامی، به جستجوی متحد جدیدی در میان مرتجعین منطقه ای مانند دولتهای عربستان و اسرائیل برآمدند.

اکنون به قدرت رسیدن گرایش فاشیستی در آمریکا ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی این جریانات را بیش از پیش بر ملا کرده است. بار دیگر نشان داده شد که فاصله چندانی میان سیاستهای این جریانات و گرایشات فاشیستی نیست. نشان داد شده که آزادی و حقوق مدنی شهروندان برای این جماعت پیشیزی ارزش ندارد. وقیحانه در مقابل صف میلیونی مردم معترض و بشریت مترقی در سطح جهان می‌ایستند و از له شدن و زیر پا گذاشته شدن آزادیها و حقوق انسانی مردم دفاع میکنند. این جریانات با دفاعشان از سیاستهای ترامپ نشان دادند که در مقابل تمامی دستاوردهای بشریت

حقوق و مزایا و مطالبات ویژه این شغل نیز دست یابند ایجاد تشکل کارگران آتش نشانی یک مطالبه جدی است که باید هرچه زودتر در جهت حفظ جان و منافع آتش نشانان ایجاد و از طرف شهرداری به رسمیت شناخته شود آتش نشانان به خوبی واقفند که امروز بهترین موقع برای ایجاد تشکل شان است چون حمایت همه جانبه همه اقشار جامعه را با خود دارند

و اما حالا که از این حادثه و فاجعه مدتی گذشته است اصرار صحیح درگشتگان چه آتش نشانان و چه نگهبانان و چه کارگران ایرانی و افغانی در این واقعه به اطلاع عموم برسد و چگونگی رسیدگی و حق و حقوق به خانواده‌های داغدار به طور شفاف اعلام شود، طبقه کارگر ایران ضمن اینکه خواستار محاکمه مسببین این حادثه دردناک می‌باشد با چشمانی باز چگونگی رسیدگی به خانواده بازماندگان را پیگیری خواهد کرد.

در انتها ضرورت دارد که یاد آور شوم که هم آتش نشانان و کولبران و هم تمامی کارگران و مزدبگیران که نان شان در گرو جانشان است امروز باید به خوبی دریافته باشند که بعد از ۳۷ سال هیچ دولتی در فکر جان و زندگی آنها نیست و اگر قرار است تغییراتی در حال و آینده آنها اتفاق بیفتد باید به نیروی قدرتمند اجتماعی خود تکیه کنند و گرنه از این امامزاده‌ها شغایبی حاصل نمی‌شود.

۱۹ بهمن ۹۵

برگرفته از سایت

اتحادیه آزاد کارگران ایران

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

ختنه زنان و دختران سنتی ضد انسانی

عزیزه لطف الهی

۱۷ بهمن روز مبارزه با ختنه زنان است. در این رابطه می‌خواهم نکات کوتاهی در مورد ناقص سازی زنان را اشاره کنم. ختنه زنان و دختران مبحثی بسیار قدیمی است. ریشه‌های آن به مصر باستان بر می‌گردد اما در همه نقاط جهان رواج دارد. در زنان این عمل بدین صورت است که طی آن بخشی از آلت تناسلی زنانه به‌خصوص کلیتوریس و لب‌های آن بریده می‌شود و میل جنسی در زنان را تا حد بسیار بالایی نابود می‌کند.

انواع و روش ختنه در دختران

طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی ختنه، قطع آلت تناسلی و یا ناقص سازی جنسی زنان به ۴ دسته تقسیم می‌شود: برش اطراف کلیتوریس که در ایران این نوع بیشتر انجام می‌شود. قطع کلیتوریس یا بخشی از آن. این نوع ختنه به ختنه فرعونی معروف است در واقع قطع بخشی یا دوختن دو طرف است. نوع آخر که بیشتر در میان قبایل آفریقای مرکزی رایج بوده عبارت بوده است از هرگونه عمل خطرناک دیگر بر روی آلت تناسلی زنان.

عوارض ناشی از ناقص سازی جنسی ختنه کردن

درد، خونریزی، شوک‌های عمل

با توجه به فقر و فلاکت موجود، مسئله مزد برای ما کارگران، مسئله مرگ و زندگی است

سایت اتحاد: سال ۱۳۹۵ به آخرین ماه خود نزدیک می‌شود و ماه اسفند به عنوان ماه تعیین حداقل مزد، کمتر از ۲۰ روز دیگر از راه می‌رسد. سال‌های گذشته جلسات بررسی میزان مزد سال بعد و ارائه آمارها و توجیهات فریبکارانه بخش‌های شریک در شورای عالی کار (نمایندگان دولت، کارفرمایان و عوامل وابسته دولتی در نهادهای ضد کارگری تحت عنوان نمایندگان کارگران) معمولاً از اوایل نیمه دوم سال آغاز می‌شد اما امسال با گذشت نزدیک به ۵ ماه از نیمه دوم سال، جز دو خبر در مورد حداقل مزد سال آینده که آنهم در حاشیه جلسات مربوط به لایحه اصلاحیه قانون کار و موضوع پیوستن ایران به مقابله نامه ۱۴۴ سازمان جهانی کار مطرح شده بود خبر دیگری در مورد حداقل مزد منتشر نشده است به نظر می‌آید دولت و کارفرمایان و نماینده‌های دست ساز کارگری در شورایی عالی کار با توجه به تجارب سالهای گذشته که با انعکاس اخبار مربوط به مزد اعتراضات نیز شکل می‌گرفت امسال با هدف جلوگیری از این اعتراضات و تحمیل مزدی بدتر از سالهای گذشته، یا جلسه‌ای برگزار نکرده‌اند و یا از انعکاس آن در رسانه‌ها خودداری نموده‌اند. در این رابطه جوانمیر مرادی دبیر انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه به سایت اتحاد اظهار داشت:

و هست که با هدف انجماد مزد به پیش می‌رود. به نظر من این، نوعی بخت آزمایی است که اگر با اعتراضات جدی و سراسری کارگران مواجه نشوند و یا با تحرکات کم‌جان روبرو گردند، طرح خود را عملی نموده و از تن دادن به افزایش چندبرگانه مبالغ معمول سال‌های گذشته نیز سرباز خواهند زد. وی در ادامه گفت: در دوره‌ها و دولت‌های مختلف در شرایط مختلف دیگری نیز تلاش کرده‌اند این بخت آزمایی را بکار گیرند اما به نظر می‌رسد امسال با توجه به متمرکز شدن کارگران روی لایحه اصلاحیه قانون کار و شکل‌گیری اعتراضات گسترده علیه آن، دولت و کارفرمایان در صددند با سوءاستفاده از این شرایط، یا دست‌مزد بسیار بدتر از سالهای گذشته را به ما کارگران تحمیل کنند و یا بطور کلی از افزایش آن خودداری کنند.

جوانمیر مرادی در پاسخ به این سوال که از جمله بهانه‌های شورای عالی کار و کارفرمایان در مقابل خواست افزایش دست‌مزد کارگران، عقب ماندگی مزدی در دولت‌ها و دوره‌های گذشته بوده و اینکه دولت و کارفرمایان به یک مرتبه از افزایش چندین برابری مزد عاجزند اظهار داشت:

اولین بهانه یعنی عقب ماندگی مزد در دوره‌های گذشته از عجائب حرف‌های روزگار است که در برابر ما کارگران ایران گذاشته شده است! من هنوز نتوانسته‌ام هیچ واژه‌ای که بیانگر این صفت باشد را بیابم. نه وارونه گوئی، نه عوام‌فریبی و نه هیچ یک از اصطلاحات از این دست که فعلاً در ادبیات و لغت نامه‌ها موجود هستند را نمی‌شود برای بیان این خصیصه بکار برد. فرض کنید من از ۱۵ الی ۲۰ سال پیش کارگر یک کارخانه بوده‌ام و آن زمان کارفرمای همین کارخانه مبالغی را که می‌بایست هر سال مطابق نرخ تورم و تأمین هزینه معیشت به من بپردازد، نپرداخته و از آن زمان هم تا حالا از بخش غصب کرده مزد من به شیوه‌های مختلف استفاده کرده و سود حاصل نموده است. حالا باید در مقابل حق خواهی من پاسخ‌ش این باشد که چون روال اینجوری بوده، بنابراین من نمیتوانم مزد تو را به



جوانمیر مرادی

یک مرتبه چند برابر اضافه کنم و تو همچنان باید هر سال نسبت به سال پیش در فقر و فلاکت بیشتری غوطه ور شوی. خوب طبیعی است که من و میلیونها کارگر چنین چیزی را از هیچ کارفرما و دولتی قبول نمی‌کنیم و نخواهیم کرد چرا که اولاً این خود آنان بوده‌اند که چنین سیاستی را پیش برده‌اند و نه ما کارگران و دوماً در این میان اگر برای دولت و کارفرمایان پایین آمدن سودشان مطرح است برای ما کارگران، مسئله مرگ و زندگی است و ما مطلقاً نمی‌توانیم آنرا تحمل کنیم.

وی در پایان افزود:

بهانه‌های دیگر هم کاملاً بی اساس و بی ربط به ما کارگران هستند. کارفرما اگر توان پرداخت ندارد، اگر ادعا می‌کند بازار فروش رونق ندارد و ورشکسته است و هر بهانه برای ندادن دست‌مزد به میزان سطح بالای خط فقر که حالا بنا به گزارشات رسمی بیشتر از ۴ میلیون تومان است، می‌آورد و دولت نیز این نوع ادعاهای کارفرمایان را تأیید و از آنها حمایت می‌کند، ما هم خواست خود را روی میز قرار می‌دهیم. کار یا بیمه بی‌کاری. سالهاست تا ما خواستار افزایش دست‌مزد می‌شویم، می‌گویند اگر می‌خواهید چرخ تولید از کار نیفتد و بیکار نشوید و اگر می‌خواهید اقتصاد رونق بگیرد و بیکاری ریشه کن شود، به همین حد از مزد راضی شوید! اگر لحظه‌ای این وارونه گوئی را واقعیت بدانیم، اما در زمین واقع می‌بینیم که چنین نشده است. بیکاری با وجود چهار برابر زیر خط فقر ماندن دست‌مزد، تبدیل به سونامی شده و علی‌رغم ارائه آمارهای غیر واقعی از نرخ بیکاری، بهار امسال نسبت به یک سال قبل، بیکاری ۱۰.۴ درصد افزایش داشته است. در نتیجه این، فقط یک بهانه برای پایین نگه داشتن سطح دست‌مزد است و هیچ ارتباطی به معضل بیکاری هم ندارد.

۱۶ بهمن ۹۵

خانواده‌های کارگران هپکو به میدان آمدند کارگران هپکو و خانواده‌هایشان دست به تحصن زدند

مسئولین حکومتی نوشته شده است: بجای شعار و دروغ اقدام کنید. لازم به توضیح است که چهار ماه حقوق کارگران توسط کارفرمای مفتخور و فاسد شرکت بالا کشیده شده است.

زنده باد کارگران هپکو و خانواده‌های آنها که تجربه گرانبهای خانواده‌های کارگران معدن آهن بافق را ادامه می‌دهند. حضور خانواده‌های کارگری در تجمعات اعتراضی یک گام مهم در گسترش و قدرتمند شدن مبارزات کارگران است که با قاطعیت میتوان گفت به سنتی در جنبش کارگری ایران تبدیل شده و حال و هوای تازه‌ای به مبارزات کارگران داده است.

حزب کمونیست کارگری به کارگران هپکو و خانواده‌های آنها درود می‌فرستد و کارگران اعتصابی در سراسر کشور و خانواده‌های آنها را فرامیخواند که



در ادامه مبارزات کارگران هپکو که از اوایل دیماه شروع شده، امروز خانواده‌های آنها نیز به تجمع کارگران پیوستند و در باغ ملی اراک دست به تحصن زدند. طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران معترض شرکت هپکو قصد دارند امشب را در باغ ملی یا اطراف مصلا در محدوده دروازه تهران سپری کنند. خانواده این کارگران نیز در این تجمع و تحصن حضور دارند. کارگران و خانواده‌هایشان در حالیکه پلاکاردهایی در دست دارند شعار میدهند زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادگی. بر روی یکسی از پلاکاردهای کارگران خطاب به

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نو دینیان

دو جبهه، مردم و رژیم اسلامی هفته گذشته، هفته پر تحرکی برای مردم در شهر و روستاهای کردستان بود.

در جبهه مردم؛ سوگ و بغض برای از دست دادن کارگران کولبری، همبستگی با خانواده هایشان، کمک رسانی و اعتراض، همبستگی بین المللی، پیام های همدردی، انعکاس خبری، وجود ده ها کلیپ و خبر در مورد کارگران کولبری، شعر و سرود و ترانه برای آنها و محکومیت شرایط ناپسند اقتصادی و زندگی کارگران کولبری و کارگران بیکار.

بار دیگر مساله مهم شکاف طبقاتی، استثمار در نظام اسلامی دزد و کثیف در صحنه سیاسی جامعه فعال و توجه میلیون ها نفر از مردم در داخل ایران و دنیا را بخود معطوف کرد

در جبهه دشمن (نظام جمهوری اسلامی ایران) تشدید خصومت و دشمنی؛

اداره اطلاعات پیرانشهر یک کولبری مسن ساکن این شهر را احضار و کارت کولبری را از وی گرفت. با انتشار گزارش بی بی سی در ارتباط با وضعیت کار و زندگی کارگران کولبری، اداره اطلاعات پیرانشهر خضر عسکرزاده، کولبری هفتاد ساله را به دلیل مصاحبه با تلویزیون "بی بی سی فارسی" احضار و مورد بازجویی قرار داد. نیروهای اطلاعاتی به خضر عسکرزاده اعلام کرده اند: "تو با مصاحبه با بی بی سی آبروی کشورمان را بردی". نیروهای این نهاد امنیتی در کردستان پس از بازجویی خضر عسکرزاده، کارت کولبری را از او گرفته اند. خضر عسکرزاده طی مصاحبه ای با تلویزیون "بی بی سی فارسی" گفته بود: "با حمل این بار صد هزار تومان برابرم می ماند. آن طرف مرز پس از پرداخت اجاره موتور و ماشین، حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان دستم را می گیرد". خضر عسکرزاده که دو ماه پیش سکنه کرده و حال عفونت و درد دندان دارد، اظهار داشته بود: "هر بار به دکتر می روم، می گویند باید ۱۵۰ میلیون تومان برای جراحی بدن. من هم این پول را ندارم. نمی توانم خودم را درست کنم."

نقطه قدرت ما؛

ما در هفته گذشته شاهد جلوه های درخشان از همدردی، از سر دادن سرود و

ترانه در همبستگی با کارگران کولبری، تجمع و قرار گرفتن در کنار خانواده های کارگران کولبری بودیم.

ما شاهد انتشار چندین پیام حمایتی از کارگران کولبری، از خواست های آنها، دفاع از کرامت و حرمت آنها بودیم. این همه همبستگی های انسانی را با اتحاد بیشتر، با تلاش آگاهانه برای ایجاد تشکل کارگران کولبری، کارگران بیکار به نیروی اعتراضی خود تبدیل کنیم. نقطه قدرت جنبش برابری و انسانی ما جبهه ما مردم ناراضی به نظام جمهوری اسلامی است. پایان دادن به دخالت و قدرت حاکمیت این نظام جنایتکار اسلامی، در گرو تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی است!

کمپین حمایت از کارگران کولبری

همچنان که همه ما اطلاع داریم، سالهاست پدیده تاریخی کولبری که از تبعات سیستم سرمایه داری است، در نوارهای مرزی ایران خصوصاً در کردستان به یک قتل گاه و تراژدی همه جانبه علیه این بخش از کارگران تبدیل شده است. بی شک فقر و فلاکت و بی کاری در مرزها موجب روی آوردن بسیاری به این کار بسیار خطرناک شده، خطری که هم از جانب نیروهای مرزدار و هم از شرایط نامطلوب آب و هوایی ناشی و موجب مرگ صدها نفر از کولبران بوده است. این کار نه تنها هیچ گونه امنیت اجتماعی و بیمه ای ندارد بلکه فاقد هرگونه تشکل و دفاع قانونی و انسانی است. از نظر سلامتی هم صدمات شدیدی به دلیل سنگینی بارها بر جسم و جان آنان وارد می کند. بنابراین ما علاوه بر حمایت از این هم طبقه ای های مان خواستار مطالبات فوری زیر هستیم:

- ۱- ایجاد شغل مناسب و بیمه تامین خدمات اجتماعی
 - ۲- ایجاد تشکل کارگری برای کارگران شاغل و بی کار برای دفاع از مطالباتشان
 - ۳- توقف کشتار این بخش از کارگران از سوی نیروهای مرزی
 - ۴- ایجاد بیمه بیکاری برای بی کاران تا پیدا شدن کار
- از همه انسان های ستم دیده و آزادی خواه می خواهیم به این کمپین بپیوندند.

لطفاً از گذاشتن پست و بحث در

گروه خودداری فرمایید تبلیغات و مطالب حذف خواهند شد.

فقط نام و نام خانوادگی خود را برای حمایت از کولبران در گروه درج نمایید.

بعد از ثبت نام، دوستان خود را نیز به کمپین دعوت نمایید.

امنیت کارگران کولبری باید تأمین گردد

سالهاست که بسیاری از کارگران بیکار و فاقد هر گونه امکان تأمین معیشت از طرق امن و بی خطر در شهرها و روستاهای مرزی کشور بویژه منطقه کردستان روی به بارکشی چه با استفاده از چهارپایان و چه با بستن بارهای سنگین بر پشت خود، در ازای دریافت مزدی ناچیز آن هم با به استقبال رفتن انواع خطرات از قبیل انفجار مینهای به جای مانده از دوران جنگ ایران و عراق، مورد اصابت مستقیم نیروهای نظامی مرزی قرار گرفتن و گرفتار بلایای طبیعی شدن مانند پرت شدن از پرتگاه ها هنگام عبور شبانه از باریکه راه های مال رو و جان باختن از سرما و مفقود شدن در زیر بهمن های سنگین، نموده اند. سالهاست که خطرات مذکور از این انسان های محروم، رنجور از تلاش بی وقفه اما ندار و فقر زده قربانی می گیرد و صدها و هزاران خانواده را داغدارتنها نان آورانشان کرده که در هر بار خطر کردن برای عبور از مرز از ترس در کمین نیروهای مرزدار نیافتادن باید شب ها و روزها بدون آب و غذا در میان دره ها و سنگلاخ های کوهستان می گذرانند

این انسان های رنج دیده، از محرومترین و بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر ایران هستند که برای تأمین ابتدائی ترین نیازهای زندگیشان یعنی نمردن از گرسنگی ناچارند سلامتی و زندگی خود را به خطر بیندازند. حق حیات از ابتدائی ترین و از حقوق جهان شمول انسانی است. محافظت از جان انسان های جوامع از وظایف دولتهاست. کارگران کولبری مرزی باید از شغل مناسب یا بیمه بیکاری برخوردار باشند و تا تحقق این خواست که ناچار به کولبری هستند باید از امنیت جانی از طریق تأمین امنیت مسیره های رفت و آمد آنان توسط دولت برخوردار گردند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه
۱۵ بهمن ۹۵

بیانیه انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی مرویان و سروآباد در حمایت از کارگران کولبری

کولبران شریف، پولبران فاسد جان برای نان نان برای جان

کارگران کولبری انسان های شریفی هستند که به دلیل بیکاری و نبود شرایط کاری مناسب و شغلی پایدار در استان های مرزی در ازای دریافت مزدی ناچیز با وجود خطرات بسیار خود را به دست کوران حوادث می سپارند و در سخت ترین شرایط موجود برای رسیدن به لقمه ای نان، در این راه قدم می گذارند و متأسفانه بیشترشان به سلامت به مقصد نمی رسند و جان خود را از دست می دهند.

سالهاست که این خطرات و ناهمبهرانی ها از این کارگران کولبری شریف قربانی میگیرند و صدها هزار خانواده و کارگر را داغدار می کند. بارشان بار زخم و رنج و بیکاری است، بارشان برای لقمه ای نان و شرافت و سربلندی است. بارشان بی تدبیری مسئولین، بی مسولیت است بارشان وجدان های خوابیده دولتمردان است. تا کی با مشاهده بار و شرایط کارگران کولبری وجدانهای خوابیده بیدار نخواهد شد.

مطمئناً کارگران کولبری بدون داشتن تشکلات کارگری خود و بی بهره از بیمه و بیمه های بیکاری از مظلوم ترین و بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر ایران هستند که همانند همه کارگران ایران دچار استثمار و بی توجهی شده اند. کارگرانی که از سر گرسنگی ناچارند سلامت و زندگی خود را به خطر بیندازند.

اما در این چند روز تمامی دنیا و ایران شاهد مظلومیت و جانباختن کارگران کولبری بود و بدتر از همه انتشار فیلمی که با تمام بی رحمی کولبری را به باد کتک و بی احترامی نشان می دهد که تنها امید و توشه بارش را به آتش می کشند. با دیدن این گونه بی احترامی ها مطمئناً زخمی عمیق در دل طبقه کارگر ایران به وجود خواهد آمد که کارگران آگاه این شرایط را فراموش نخواهند کرد.

روابط عمومی انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی مرویان و سروآباد

بازداشت و زندانی نمودن کارگران و معلمان را قویاً محکوم مینماییم

در آستانه تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۶ ما کارگران در کردستان، اقدام حاکمیت و قوه قضاییه را که در روز ۵ بهمن ماه ۹۵ به منزل آقای عظیم زاده جهت دستگیری ایشان هجوم نموده اند قویاً محکوم مینماییم. چنین اقدامی را نه در مورد اختلاف گران، رانت خواران و مفساد اقتصادی، بلکه علیه انسان های آزادی خواه و فعال کارگری همراه با رعب و تهدید خانواده های آنان بکار میگیرند.

مجریان و تحمیل کنندگان چنین شرایط فلاکتباری بر میلیونها کارگر و

مزد گیر این جامعه، برای سوبیشتر و حل بحرانیهای خود ساخته شان، قصد ادامه تحمیل زندگی چندین برابر زیر خط فقر برای کارگران ایران را جهت سال ۹۶ تدارک دیده اند.

سرمایه داران و حکومت حامی آنان، آقای جعفر عظیم زاده مدافع پیگیر بالا بردن سطح دستمزد ها و تلاشگر بهبود شرایط زندگی مزدبگیران و فعال جمع آوری طومار چهل هزار امضاء و نماینده شاکیان علییه فساد مالی در سازمان تأمین اجتماعی در دولت قبلی، را تهدیدی برای امنیت و چپاول های خود میبینند. در نتیجه جهت دستگیری ایشان با پرداخت هر هزینه ای اقدام مینمایند.

اینان سخت در اشتباهند و نمیدانند که این جنبش اعتراضی کارگران است که چنین رهبرانی را به جلوی صحنه اجتماعی میرواند. این اعتراضات بی وقفه از سفره خالی ما کارگران و آمار خودکشی های بیکاران و این همه نابرابری ها که در جامعه هر روز جریان دارد مایه میگیرد. و تا این شرایط مشقت بار ادامه داشته باشد، امثال آقای عظیم زاده صدای اعتراضی این وضعیت اند و خاموش شدن نیستند.

آقای عظیم زاده صدای اعتراضی ما کارگران و مدافع پیگیر حقوق کارگران است.

ما کارگران تلاش این انسان خستگی ناپذیر را ارج می نهمیم. شرایط ما کارگران دیگر با این وضعیت غیر قابل تحمل و فلاکتبار کنونی، فرق چندانی با شرایط حبس و زندان ندارد. ما کارگران ایران از هیچ تلاش و کوششی جهت ارتقاء دستمزد ها، احیای حقوق پایمال شده خود و تلاش برای ایجاد و گسترش تشکل های مستقل کارگری دریغ نخواهیم کرد همچنانکه هر روز شاهد چندین تجمع و اعتراض و اعتصابات کارگری برای دستیابی به مطالباتمان هستیم.

ما کارگران اجازه نخواهیم داد که براحتی کارگران را زندانی نموده و به حبس بکشید. قوه قضاییه و مسئولین امنیتی مطمئن باشند که در مقابل ادامه این فشار ها بر فعالین کارگری ساکت نخواهیم نشست. و جهت ارتقاء دستمزد ها و ایجاد تشکل های کارگری مبارزه خواهیم نمود و کارگران زندانی را آزاد خواهیم کرد.

زنده باد مبارزات کارگران ایران
اعضا هیئت مدیره و کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران در کردستان
جمعی به نمایندگی از کارگران
اخراجی کارخانه نساجی کردستان
جمعی به نمایندگی از کارگران
اخراجی کارخانه پیرس سنندج
جمعی به نمایندگی از کارگران

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی



گشته شدن زنی در خانقین

نیمه های شب ۶ فوریه زنی در خانقین بوسیله بلوک بقتل میرسد و تا کنون دلیل این قتل مشخص نشده است. اشرف محمد مسئول مقرر پلیس آزادی در خانقین میگوید: "در محله بختیاری شهر خانقین زنی بین ۲۰ تا ۲۵ سال به وسیله بلوک بقتل میرسد و در یک منزل مخروبه انداخته ده است." او همچنین گفت، تا کنون قاتل پیدا نشده است و معلوم نیست چرا این زن کشته شده است.

قتل ناموسی یک دختر توسط پدر در قانمشهر

مرد میانسال دختر خود را با ضربات کارت از پای در آورد. او درباره انگیزه قتل دخترش گفت "او بدون اجازه من از خانه بیرون می رفت و گاهی شب های زیادی را بیرون از خانه و خانه دوستانتان می گذراند." *

دو شهروند در لرستان به سنگسار محکوم شدند

دادگاه کیفری ۱ استان لرستان یک زن و مرد متهم به "رابطه نامشروع" را در پرونده موسوم به "کلیپ گراب" به سنگسار محکوم کرد. صدور این حکم که بعنوان یک مجازات غیرانسانی دسته بندی میشود در حالی است که در دوره ریاست پیشین قوه قضائیه دستورالعملی برای عدم اجرای احکام سنگسار صادر شده بود. حکم فعلاً در دادگاه بدوی صادر شده و در مسیر ابلاغ به دو وکیل متهمین قرار دارد و وکلای متهمین بیست روز فرصت دارند که نسبت به این حکم در دیوان عالی کشور اعتراض کنند.

در این پرونده همسر متهمه شاکی پرونده می باشد که وکیل ایشان برای متهمین درخواست اشد مجازات نموده و دادگاه کیفری استان بعد از دو جلسه رسیدگی و تحقیقات مفصل و مبسوط با احراز مجرمیت متهمین اقدام به صدور حکم سنگسار نموده است.

صدور این حکم وحشیانه در حالی است که نقش و جایگاه زن

خبر صدمه چشمش را جدی نگیرید، وقتی آزاد شود خودتان می بینید

خبرگزاری هرانا، يك منبع آگاه به وضعیت طاهره ریاحی، روزنامه نگاری که از تاریخ هفتم دی ماه بازداشت شده و چند روز پیش خبر "صدمه به چشم چپ او حین بازجویی در زندان اوین" رسانه ای شد گفت که یکی از مسئولان در مقابل نگرانی و پرس و جوی مکرر خانواده از وضعیت سلامت این روزنامه نگار گفته که "خبرصدمه چشمش را جدی نگیرید. وقتی آزاد شود خودتان می بینید"، اما اینکه چه زمانی قرار است آزاد شود تا کنون مسئولان پاسخ درست و مشخصی نداده اند. خانواده طاهره به شدت نگرانش هستند تا آنجا که مادرش در اثر فشار عصبی به بیمارستان منتقل شده است.

بالا ترین نرخ بیکاری زنان جوان ظرف ۲۰ سال

مولاوودی معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده تصریح کرد، در سال ۹۴، نرخ بیکاری دختران جوان، به بالاترین رقم طی ۲۰ سال اخیر رسید. وی اضافه کرد، این سالها نرخ بیکاری جوانان در کشور افزایش یافته است، به طوری که از ۸/۱۴ درصد در سال ۷۵ به ۲۱/۹ درصد در سال ۹۳ رسید.

در سال ۹۰ نیز استان های کرمانشاه، خوزستان و لرستان بالاترین نرخ بیکاری زنان و دختران جوان را در کشور داشته اند. مرکز آمار ایران اعلام کرده بود، میانگین نرخ بیکاری زنان جوان کشور در تابستان امسال به ۴۷/۳ درصد رسیده است.

لازم به ذکر است که با وجود مهم ترین نتایجی که می توان از بررسی وضعیت اشتغال دهه های ۶۰ تا ۸۰ گرفت این است که میل به استقلال مالی، افزایش سطح تحصیلات، توانمند سازی زنان و دختران از طریق مهارت های شغلی در کنار افزایش سطح تخصص افراد باعث حضور بیشتر زنان در عرصه های کار و اشتغال شده است. اما وضع قوانین تحصیلی و نبودن تنوع در شغل (کارهایی نظیر مثل پرستاری و مامایی) و قانون بازنستتگی هر چه بیشتر زنان را وادار به خانه نشینی و بیکاری سوق

از صفحه ۶ نگاه هفته مجموعه اخبار ...

نشده است.

کارخانه شاهو سنج

۱۲ بهمن ۹۵

مرگ ۱۶ نفر در استان کردستان بر اثر حوادث کاری

در نه ماهه نخست سال جاری، ۱۶ کارگر در استان کردستان بر اثر حوادث کاری جان خود را از دست دادند. به گزارش روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی استان کردستان، هر ۱۶ نفر فوت شدگان حوادث کار ۹ ماهه امسال مرد بودند این گزارش می افزاید در همین مدت یعنی ۹ ماهه امسال ۳۰۰ نفر نیز بر اثر حوادث کار مصدوم و جهت صدور گواهی به پزشکی قانونی استان مراجعه کرده اند که از این تعداد ۲۹۶ نفر مرد و ۴ نفر دیگر زن بودند.

بیش از دو ماه تجمع کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد / مطالبات پرداخت نشد

مطالبات مزدی کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد، علیرغم سپری شدن دو ماه از آغاز اعتراضات صنفی آنها پرداخت

کارگران کشت و صنعت مهاباد در تماس با ایلنا از ادامه اعتراضات صنفی خود و پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود خبر دادند.

به گفته این کارگران شاغل در دو مجتمع کشت و صنعت مهاباد و دامداری صنعتی مهاباد، که ۱۶ ماه است دستمزد نگرفته اند، تجمع علیرغم جمع شدن چادرها همچنان ادامه دارد. اکنون بیش از دو ماه است که این کارگران بیرون مجتمع، تجمع کرده اند.

کارگران می گویند بیش از سه ماه حق بیمه آنها نیز پرداخت نشده است.

از قرار معلوم پس از انجام مزایده در این مجتمع، بخشی از مطالبات کارگران دو مجتمع آن به نامهای بیمه هما مرغ و سردخانه زمزم به صورت تقسیطی پرداخت شده، اما از پرداخت مطالبات دو مجتمع دیگر خبری نیست.

می دهد.

جنوب» در استان کرمان دست کم ۱۰ اتن از دختران دانش آموزی را که

والدین آنها توان پرداخت اخاذی ۳۰ هزار تومانی (هشت و نیم دلار) مدیریت مدرسه را نداشتند هشت ضربه «شلاق» زدند و آنها را از مدرسه اخراج کردند. این عمل وحشیانه در روزهای بعد نیز ادامه پیدا می کند تا خانواده هایی را که پول درخواستی کارگزاران رژیم در مدرسه را ندارند به هر نحو ممکن وادار سازند که این مبلغ را پرداخت کنند. آموزش و پرورش نظام اسلامی اولیای دانش آموزان را در پوشش و بهانه های مختلف از جمله هزینه لوازم التحریر، سرشماری! و «هدیه به مدرسه»! مورد اخاذی قرار می دهد. فشار بر دانش آموزان و والدین آنها به ویژه در مناطق محروم کشور عواقب وخامت باری از جمله ترک تحصیل و خودکشی دانش آموزان را به دنبال دارد. در آبان سال ۹۴ يك دانش آموز ۱۲ ساله کلاس ششم ابتدایی در اشنویه در استان آذربایجان غربی به خاطر نداشتن پول «هدیه به مدرسه» دست به خودکشی زد و جان باخت.

شرایط آموزشی وحشتناک برای دختران دانش آموز

به دلیل عدم رسیدگی دولت به کلاس های درس و فرسودگی بالای مدارس قشم، دختران دانش آموز، کلاس هایشان را در چادر برگزار می کنند. همچنین دختران دانش آموز در کرج، با مشکلاتی چون خرابی سیستم های گرمایشی، کمبود فضای آموزشی و نیز، استحکام پایین مدارس مواجه هستند. فضای محدود آموزش، در عمل باعث شده است که ۶۰ درصد مدارس این نواحی، به صورت دو شیفته کار کنند.

این به تنهایی یکی از شرایط و مواعنی در بوجود آوردن سد راه برای تحصیل دختران است. هزینه های بالا و تعیین قانون ازدواج زیر سن ۱۳ سال دختران بخشی از اقدامات و قوانین رژیم ضد انسانی و زن ستیز است. زنان با اتحاد و مبارزه روزانه خویش در مقابل این قوانین ضد زن باید مبارزه ای گسترده را سازمان دهند. دریک اقدام شوک آور کارگزاران رژیم در مدرسه روستای «مختارآباد» شهرستان «رودبار

مقامات می گویند: کولبری فرصت شغلی است



گزارش: تسنیرین هزاره مقدم
برگرفته از سایت

اتحادیه آزاد کارگران ایران فرماندار سردشت، یک روز پس از حادثه می گویند: این کولبران متوفی قاچاق حمل می کرده اند؛ آنهم از معابر غیرقانونی. این مقام مسئول، کولبری را فرصت شغلی می داند و می گوید فقط در سردشت، ۸۰۰۰ کارت تردد صادر کرده ایم و برای آنها که از معابر قانونی تردد می کنند، مشکلی پیش نمی آید. استاندار آذربایجان غربی هم در مورد این حادثه گفته است: کولبری از ساعت ۸ صبح تا ۵ عصر و آن هم فقط در بازارچه مرزی رسمی تعریف می شود غیر آن هرچه باشد کولبر نیستند. قربانعلی سعادت در ادامه افزوده است: کسانی که از معابر غیررسمی و آنهم در ساعات شبانه تردد می کنند به هیچ وجه کولبر نیستند، بلکه قاچاقچی اند و باید حوزه کولبری و قاچاق تفکیک شوند.

این ادعاها، اعتراضات فعالان کارگری را برانگیخت؛ فعالان می گویند: کولبری از سر فقر و گرسنگی است؛ مرزنشینان گرسنه و بیکار جانشان را کف دست می گیرند و سراغ کوهستان می روند، آن وقت مسئولان آنها را قاچاقچی خطاب می کنند و با آنها برخورد می کنند؛ می گویند این راه پرخطر، آخرین چاره کارگران بیکار کردستان و آذربایجان غربی است؛ می گویند: کولبری، فرصت نیست، فرصت شغلی کارخانههایی است که تعطیل می شوند؛ فرصت شغلی، ساختمان سازی است که خوابیده است؛ صنعتی است که بی رونق است؛ کولبری، فرصت شغلی نیست، راهی است ناگزیر برای به سختی زنده ماندن.

واکنشها به این اظهارات کم نبوده است. در روزهای بعد از حادثه

سردشت، اعتراضات هم به این اظهارات، هم به تصاویر و کلیپهایی که از معاش سخت و جانکاه کولبران منتشر شده است، بالا گرفت؛ تصویر پیرمرد ۷۰ ساله ای که با دندان عفونت کرده، کولبری می کند و از حمایت های اجتماعی دوران سالمندی محروم است، یکی از این تصاویر دلخراش است که خیلی ها را متوجه بی توجهی مسئولانی کرده است که گویی خود را به خواب زده اند و این همه فقر، بیکاری و گرسنگی را نمی بینند. کولبری با هیچ تعریفی، شغل محسوب نمی شود، حالا همین فرصت معاش ناگزیر نپند هم نه امنیت شغلی دارد، نه بیمه بیکاری دارد و نه مسئولان پاسخگوی حوادث این شغل پرخطر هستند. خیلی از فعالان کارگری و مدنی، خطاب به مسئولان نامه نگاری کردند، طومار امضا کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت دردناک کولبران شدند.

عثمان عباسی، معلم کرد، در رابطه با حادثه سردشت، نامه ای خطاب به استاندار آذربایجان غربی نوشته است. در این نامه این معلم از برخوردهای غیرمسئولانه مسئولان گلایه کرده و می گوید اولین بار نیست که این قبیل حوادث رخ می دهد؛ او به حادثه ریزش بهمین در سال ۶۸ در روستای درمان آباد که مرگ ۲۴ نفر از کولبران مرزی را در یک شبانه روز در برداشت اشاره می کند و می گوید: قصد مطلق گویی ندارم و نمی گویم هیچ اقدام مثبتی هم صورت نگرفته است. موانع و مشکلات را هم مدنظر دارم اما وضعیت موجود در یک کلام اصلاً متناسب با تلاشها و فداکاری شهروندان این دیار نیست. چراکه کم توجهی و بی مهری برخی از مسئولان ذریعت در ابعاد مختلف کاملاً نمایان، ملموس و قابل درک است.

این معلم ادامه می دهد: آنچه از همه این دردها به نظر نگارنده برای خودم و همشهریانم جانکاه تر است، وجود نوعی نگرش غیرواقع بینانه و ناعادلانه است. اگرچه در رسانه ها،

نقل قولهایی از جنابعالی مبنی بر قاچاقچی خواندن کولبران منتشر شده است، اما امیدواریم نگرش جنابعالی و زیرمجموعه مدیریت کلان استان به دور از این دیدگاه بوده و روندی که در ابتدا به آن اشاره گردید در راستای خدمتگزاری صادقانه و رفع موانع و ایجاد زیرساختهای اشتغالزایی واقعی و توسعه پایدار در مناطق مختلف استان به صورت متوازن و عادلانه تداوم یابد. او در پایان خطاب به فرماندار می گوید: باید با مردم بود و ماند تا حس تعلق و همدردی و همنوایی ایجاد گردد. امید است سکانداران دولت امید در سطوح مختلف اگر تدبیری در آستین دارند، در فرصت های پیش رو دریغ ننمایند.

اما متأسفانه حادثه سردشت، یک نمونه نادر نیست، سه روز بعد از حادثه سردشت، یک کولبر نوزده ساله در ارتفاعات سی چومان پیرانشهر جان خود را از دست می دهد. پیش از این هم بارها این اتفاقات رخ داده است. کولبران زمستان ها زیر آوار برف مدفون شده اند و تابستان ها اسیر سیلاب شده اند؛ از این بلایای طبیعی که بگذریم، کولبران گاه و بیگاه هدف گلوله مرزبانان قرار گرفته اند و جان داده اند.

کولبرانی که کارت هم دارند از شرایط ناراضی اند مسئولان کولبری با کارت تردد را یک فرصت شغلی می دانند. حال اگر از تعاریف قانونی فرصت های شغلی، آنطور که در اصل ۴۳ قانون اساسی آمده، بگذریم و جدای از این که بخواهیم به تعهد دولت در برنامه پنجم توسعه مبنی بر لزوم تدوین کار شایسته اشاره کنیم، کولبرانی که کارت هم دارند از شرایط ناراضی اند. محمد کولبری است که چندسالی است کارت دارد و از طریق بازارچه مرزی سردشت، ارتزاق می کند. او می گوید: به همین سادگی ما هم نیست. هر دفعه باید حدود ۵۰ هزار تومان برای کرایه دواب بدهیم؛ الاغ و قاطر کرایه کنیم. تازه ما هم نه بیمه هستیم نه خدماتی به ما ارائه می دهند. یکی

از صفحه ۷ اخبار و گزارشات ...

حرفهای زیادی برای گفتن داشتند که امید بخش ترین قسمت آن ریشه کن شدن این پدیده ضد انسانی در روستایشان از پانزده سال قبل بود و می گفتند اغلب کسانی که شناسان از پانزده سال به بالاست ختنه شده اند ولی کمتر از پانزده سال در این روستا آمار صفر است فردای آنروز به روستاهای ناو و بلبر رفتیم که در بلبر می گفتند دیگه سالهاست کسی از ختنه زنان حتی حرف هم نمی زند. و در روستای ناو ختنه افراد زیر هشت سال نیز وجود داشت. شرکت کنندگان نقش رسانه ها تخصصیات عالییه افراد آگاه شدن خانواده ها، فعالین مدنی آموزش، مراکز بهداشتی، و در مواردی روحانی مخالف این عمل در کم رنگ شدن وعدم بقا این پدیده را بسیار موثر میدانستند. به امید ریشه کن شدن این پدیده شوم در سراسر جهان.

به بهانه روز جهانی علیه ناقص سازی زنان

ختنه زنان جلوهایی از نابرابری ریشه دار جنسیتی که زنان را در موقعیت فرودستی نگاه میدارد پروین ذبیحی و رک شاپی در روستای نوین اورامان در کارگاه تلاش برای توانمند سازی اقتصادی زنان داشتیم. در این و رک شاپ که با شرکت کارآموزان رشته خیاطی برگزار شد. شرکت کنندگان

از کولبرها، چند روز پیش از قاطر افتاد و پایش شکست، حالا زمینگیر شده، نه بیمه ای دارد و نه کسی قرار است به او خرج درمان بپردازد؛ کارت تردد به چه کارش می آید؟ محمد می گوید: گرفتن کارت تردد هم ساده نیست، به هر کسی نمی دهند؛ باید شرایط داشته باشی، کارت پایان خدمت می خواهند، باید ثابت کنی سرپرست خانوار هستی و خیلی چیزهای دیگر... محمد سالهاست کولبر است، آنهم قانونی، ولی می گوید آه در بساط ندارم، نه حساب بانکی، نه یک سقف سه در چهار برای خانواده ام، نه حتی یک موتورسیکلت برای رفت و آمدم. طبیعی است برای مسئولان، حادثه مرگ کولبران هم کهنه می شود؛ اظهار نظرها و پیام های تسلیت هم تم می کشد؛ این روزها حادثه های دردناک کم نیست؛ این روزها کارگران به همین سادگی

قربانی می شوند؛ از جان باختن آتش نشانان در شعله های آتش بی تدبیری مسئولان در پلاسکو گرفته تا مرگ دلخراش دو سیمبان مریوانی و زیر آوار برف ماندن کولبرها، همه و همه حوادث غمباری هستند که ارمغانی به جز مرگ برای کارگران نداشته اند. این حوادث، اگرچه برای مسئولان کهنه می شوند، اما هرگز رنگ نمی یازند، بلکه بدون تردید در حافظه جمعی ملت ثبت می شوند.

وقتی از عمومی علی محمدنژاد، دانش آموز دبیرستانی متوفی در حادثه سردشت، می پرسیم با مسئولان چه صحبتی داری؟ می خواهی چه اقدامی انجام دهند؟ با غمی که انگار در صدایش جا خوش کرده، می گوید: می خواهم یادشان نرود که ما هم زیر همین پرچم زندگی می کنیم، همین..

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!